

بسم الله الرحمن الرحيم

فقه مقارن جلسه هشتاد و ششم ۱۳۹۷/۲/۱۱

### آشنایی با مذاهب فقهی اهل سنت (۴)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با مذهب حنفی بود اینها تابع ابو حنیفه هستند و عمدتاً بحث قیاس و رأی را بنیانگذاری کردند؛ یعنی بنیانگذار قیاس و رأی ابو حنیفه بود، بعد از ایشان افراد دیگری هم آمدند مانند مالک و شافعی می‌گویند مالک در دو مسئله قیاس کرده بود آخر عمری گریه می‌کرد که من فردای قیامت برای این دو تا رأی خودم دو فتوای مبتنی بر قیاس چه جوابی خواهم داد!

و همچنین شافعی تا حدودی در بعضی از موارد به قیاس عمل می‌کرد و حال آن‌که اینها روایات مختلفی را در مذمت قیاس نقل می‌کنند.

معجم کبیر طبرانی یک عبارتی دارد:

«تَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى بَضْعٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً أَكْثَرُهَا فِتْنَةٌ عَلَى أُمَّتِي قَوْمٌ يَقِيسُونَ الْأُمُورَ بِرَأْيِهِمْ فَيُحِلُّونَ الْحَرَامَ وَيُحَرِّمُونَ الْحَلَالَ»

بزرگترین فرقه‌ی باطل که اینها فتنه‌ی بزرگی برای امت من هستند آن کسانی هستند که امور را به رأی خود قیاس می‌کنند، با قیاس حرام الهی را حلال و حلال الهی را حرام می‌کنند

المعجم الكبير ، ج ١٨ ، ص ٥٠ ، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني الوفاة:  
٣٦٠ ، دار النشر : مكتبة الزهراء - الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣ ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : حمدي بن

عبدالمجيد السلفي

مستدرک هم این عبارت را در جلد ٤ صفحه ٤٣٠ نقل می‌کند و همچنین آقایان از عمر بن خطاب

نقل می‌کنند:

«إياكم وأصحاب الرأي فإنهم أعداء السنن»

از اهل رأی و قیاس اجتناب کنید این‌ها دشمن‌های سنت هستند.

سنن الدارقطني، ج ٤ ، ص ١٤٦ ، اسم المؤلف: علي بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي الوفاة:

٣٨٥ ، دار النشر : دار المعرفة - بيروت - ١٣٨٦ - ١٩٦٦ ، تحقيق : السيد عبد الله هاشم يماني المدني

در مورد مناظره‌ای که دیروز اشاره داشتیم بین امام صادق علیه السلام و ابوحنیفه آقای خطیب  
بغدادی و ابن قیم جوزیه نقل می‌کنند. البته این را شاید عزیزان شنیده باشند ولی در کتاب‌های شیعه با  
عبارتی آمده و در کتب اهل سنت با عبارت‌های دیگر آمده است؛ ولی قدر متیقن و مشترکات این مناظره  
در کتابهای شیعه و اهل سنت زیاد است.

ابن شبرمه که از علمای بزرگ اهل سنت است می‌گوید من با ابو حنیفه خدمت امام صادق علیه

السلام رسیدم و سلام دادم گفتم این آقا دوست من ابو حنیفه است و گفتم ایشان از اهل عراق است.

«له فقه و عقل»

هم فقیه و هم عاقل است.

الفقيه و المتفقه ، ج ١ ، ص ٤٦٤ ، اسم المؤلف: أبو بكر أحمد بن علي بن ثابت الخطيب البغدادي  
الوفاة: ٤٦٢هـ ، دار النشر : دار ابن الجوزي - السعودية - ١٤٢١هـ ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : أبو عبد

الرحمن عادل بن يوسف الغرازي

می گوید امام صادق فرمود:

« لعله الذي يقيس الدين برأيه »

شاید همان مردی است که دین را با قیاس درست می کند.

بعد فرمود:

«أهو النعمان؟»

این نعمان ابن ثابت است؟

محمد بن یحیی می گوید تا آن روز ما اسمش را نمی دانستیم. به ایشان ابو حنیفه می گفتیم. بعد یک

احوال پرسى با امام صادق علیه السلام کرد امام صادق علیه السلام فرمود:

«اتق الله ولا تقس الدين برأيك فإن أول من قاس إبليس»

از خدا بترس دین را با رأی خودت قیاس نکن، اول کسی که قیاس کرد ابلیس است.

شیطان گفت:

«أنا خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين»

بعد امام صادق سلام الله علیه چند سوال از ابو حنیفه پرسیدند. فرمودند: آیا نزد خدا قتل گناه

بزرگتری است یا زنا؟

ابو حنیفه گفت قتل گناهش بیشتر است امام صادق علیه السلام فرمود اگر قتل گناهش بیشتر است، چرا در قتل با دو تا شاهد می‌شود قصاص کرد؛ ولی در زنا با چهار تا شاهد باید حد زد؟

ابوحنیفه معطل ماند، بعد حضرت سوال کرد آیا اهمیت روزه پیش خدا بالاتر است یا اهمیت نماز؟

گفت قطعاً نماز بالاتر است، امام صادق علیه السلام فرمود: چطور اگر زن حائض در ایام حیض نماز و روزه اش را ترک می‌کند نمازش قضا ندارد ولی روزه اش قضا دارد؟

یک چند تا از این سوالات حضرت پرسید بعد فرمود:

« اتق الله يا عبد الله ولا تقس فأنا نقف غداً نحن وأنت ومن خالفنا بين يدي الله تبارك وتعالى »

فردای قیامت در برابر محکمه‌ی عدل الهی خواهیم رفت و ما قال الله و قال رسول الله می‌گوییم ولی تو می‌گویی: **سمعنا و رأینا** ما شنیدیم و به رأی‌مان عمل کردیم! ما می‌گوییم خدا این‌طوری فرموده و پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم این‌طوری فرموده است.

پرسش:

استاد! شاگردی ابو حنیفه نزد امام صادق علیه السلام اهل سنت را زیر سوال نمی‌برد؟

پاسخ:

چطور؟

پرسش:

چون ما معتقدیم که دو سال شاگرد امام صادق علیه السلام بوده است.

پاسخ:

شاگرد ناخلفی بوده است، چه کار کنیم! اگر شاگرد خلف بود که این کارها را نمی‌کرد، می‌گوید اگر همان دو سال شاگردی امام صادق علیه السلام نبود از این بدتر می‌شدم. اگر به این جا هم رسیدم به خاطر همان دو سال شاگردی من نزد امام صادق علیه السلام بوده است.

پرسش:

استادا! وقتی که شبرمه ایشان را با خودش می‌برد حضرت می‌گوید ایشان کیست؟

پاسخ:

ببینید دارد:

«لولا السنن»

دو سالی که امام صادق علیه السلام در کوفه تشریف داشتند. حضرت یک هجرت دو ساله به کوفه داشتند در آن جا ابو حنیفه شاگردی کرد، ابو حنیفه ساکن مدینه نبود، آن هم اواخر عمر امام صادق سلام الله علیه که دو سال کوفه رفت.

«لولا السنن لهلك النعمان»

مختصر تحفه‌ای اثناعشریه، آلوسی، صفحه ۱۰ و ۱۱.

الحطة في ذكر الصحاح الستة، ج ۱، ص ۲۶۴، اسم المؤلف: أبو الطيب السيد صديق حسن القنوجي

الوفاة: ۱۳۰۷هـ، دار النشر: دار الكتب التعليمية - بيروت - ۱۴۰۵هـ / ۱۹۸۵م، الطبعة: الأولى

یک بخشی هم ما داریم که چطور شد مذهب حنفی شهرت پیدا کرد؟ اکثر شاگردان ابو حنیفه در زمان دولت عباسی برای گسترش این مذهب همت کردند و مذهب رسمی دولت عباسی هم مذهب حنفی بوده است.

این‌ها تلاش کردند در شهرهای مختلف و کشورهای مختلف آثار و گفتار ابو حنیفه را منتشر کنند.

### تاریخ مذاهب اسلامی، ابو زهره صفحه ۳۸۱.

مهمترین کتابهای فقهی حنفی عبارت از این دوازده کتاب است:

۱- مختصر قدوری، احمد ابن محمد

۲- مبسوط سرخسی

۳- بدائع الصنائع، کاشانی؛

۴- بدایة المبتدی، مرغینانی؛

۵- هدایة شرح بدایه؛

۶- وقایة الروای؛

۷- شرح هدایة؛

۸- مجمع البحرین؛

۹- فتح القدیر، اثر ابن حمام است، این غیر از فتح القدیر شوکانی است که تفسیر است؛

۱۰ کنز الدقایق، نسفی؛

۱۱- بحر الرائق ابن نجيم مصرى؛

۱۲- رد المختار بر در المختار مشهور به حاشيه ابن عابدین است که الان در حوزه‌های علمیه داخل کشورمان هم مورد عنایت است، این‌ها در حقیقت اهم کتاب‌های فقهی احناف است.

پرسش:

استاد ببخشید! جوامع حدیثی اهل سنت بعد از این‌ها یعنی بعد از فقه‌های شان است.

پاسخ:

نه، ایشان متوفای سال ۱۵۰ است مبانی حدیثی اهل سنت در سال ۱۱۰ و ۱۱۵ تدوین شد. عمر ابن عبدالعزیز متوفای ۹۹ و ۱۰۰ است که دستور داد و زهری متوفای ۱۲۴ است.

پرسش:

مثلا صحیح بخاری...

پاسخ:

صحیح بخاری آمده از کتاب‌های دیگر این را استفاده کرده است، مثل کتاب کافی ما است که از اصول اربعه مائة آمده کافی را تألیف کرده است، بخاری محدث نیست.

پرسش:

فتاوی‌شان را مثل ابو حنیفه و این‌ها از کتاب‌های قبلی استفاده می‌کرده است.

پاسخ:

بله، عرض کردم در سال ۱۲۵ و ۱۳۰ عمدتاً کتاب‌های روایی اهل سنت تدوین شد، بعضی‌ها معتقدند که در سال ۱۰۸ و ۱۱۰ کتاب‌ها شروع شد ولی نظر ما این است که از سال ۱۲۰ و ۱۲۵ این‌ها شروع به تدوین کردند.

**پرسش:**

صد سال که تدوین حدیث ممنوع بود تا این حریم شکسته بشود

**پاسخ:**

شما ببینید وقتی که آمدند حریم را شکستند، شما هرچه روی فخر بیشتر فشار بیاورید، وقتی که دست بردارید جهش فخر بیشتر می‌شود، این‌ها وقتی که دست برداشتند در عرض ۵-۶ سال هرکسی که در این زمینه توانایی داشت کتاب و حدیث بنویسد نوشت.

دیگر طوری کردند که خود بخاری که بنا بر برخی اقوال کتابش حدود ۴۰۰۰ روایت و بنا به قول دیگری حدود ۲۶۰۰ روایت دارد می‌گوید من از بین ۶۰۰ هزار روایت انتخاب کردم، یعنی به قدری این آتش شور شده که خود آشپز هم می‌نالدا!

از بین ۶۰۰ هزار روایت، احادیثش را شیر خط انداخته، یا استخاره کرده، نماز خوانده تازه به سه هزار تا نرسیده است!

مسلم که بعد از بخاری آمده می‌گوید من از بین ۳۰۰ هزار روایت، صحیح مسلم را نوشتم، مجموع احادیث صحیح مسلم حدود چهار هزار تا است.

ببینید این‌ها نشان دهنده آن است که در همان فترت زمانی سال ۱۰۰ تا ۱۲۰ یعنی در این ۲۰ سال این‌ها هرچه که توانستند نوشتند، بعد از آن هم پیاز داغش را بیشتر کردند!



خود بخاری می‌گوید من ۱۰۰ هزار روایت صحیح حفظ کردم و صد هزار هم روایت ناصحیح حفظ کردم، حالا چقدر آدم با حوصله‌ای بوده که صد هزار روایت غیر صحیح را برداشته حفظ کرده است!

از این صد هزار حدیث صحیح هم آمده کمتر از سه هزار تا را در آن‌جا نقل کرده است آن هم با بساطی که در آن‌جا دارد و نسبت به امهات المؤمنین و... مطالب دارد، مطالبی که واقعا انسان شرمش می‌آید مطرح بکند.

حضرت ابراهیم نستجیر بالله همسرش را برای عمل منافی عفت در اختیار جبار قرار می‌دهد! پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم بالای کوه می‌رود تا خود کشی کند! پیغمبر می‌آید عایشه را بغل می‌کند تا بتواند شو، رقص همسایه را تماشا بکند! پیغمبر نستجیر بالله بول می‌کرده است! با این‌که این‌ها می‌گویند اگر یک راوی ایستاده بول کند از عدالت ساقط است و ما نمی‌توانیم روایتش را قبول کنیم!

ببینید این آقا که می‌گوید من از صد هزار روایت صحیحی که حفظ بودم به قولی سه هزار تا را آوردم، این هم به این شکل! واقعا آدم خجالت می‌کشد. اگر فرصت باشد این فایل روایات نادرست صحیح بخاری و صحیح مسلم را که انتخاب کردیم فایلش را خدمت دوستان می‌دهم داشته باشند و مطالعه کنند.

آن وقت شما ببینید این‌ها می‌آیند کتاب کافی و کتاب تهذیب و من لایحضره الفقیه ما را مورد تمسخر قرار می‌دهند! ما یک روایت از این قبیل در کتب خودمان نداریم. فرضا اگر داشته باشیم ما معتقد نیستیم کتاب کافی من اوله إلى آخره صحیح است بعضی از بزرگان ما می‌گویند از این ۱۶۱۶۶ روایتی که کلینی آورده است مجموع روایات صحیحش کمتر از ۵ هزار تا است. شما کتاب لؤلؤة البحرین صاحب حدائق را ببینید ایشان می‌گوید ما روایات مرسل، مرفوع، ضعیف، غیر معتبر در کافی نزدیک ۷ - ۸ هزار روایت داریم. البته ما این را از ایشان قبول نداریم که ۷ هزار یا ۸ هزار روایت غیر

معتبر در کافی داشته باشیم. روایت‌های کافی یک چند تا نکته دارد عزیزان خوب دقت بکنند ما معمولا در بحث‌هایمان و در مناظرات این را توجه داریم و در کتاب قصة الحوار الهادی بحثی که با غامدی داشتیم هم آوردیم.

ایشان به کتاب کافی اشکال می‌کرد و ما هم جواب دادیم اشکال به بخاری کردیم ایشان نتوانست جواب بدهد، مرحوم کلینی در هر بابی که می‌آید تلاش می‌کند یک روایت یا دو روایت معتبر از دیدگاه خودش در اول باب بیاورد.

بعد هم سه - چهار - پنج تا روایت می‌آورد ولو این که ضعیف است ولی این روایات ضعیف مؤید آن روایت صحیحی است که ایشان در اول باب آورده است، که اگر این روایات ضعیف هم نبود فقیه با همان روایت اول و دوم حکم شرعی را استنباط می‌کند.

از این مطلب خیلی از دوستان ما هم غفلت دارند؛ یعنی از دیدگاه خود کافی این طوری است شاید در بعضی موارد روایت اول صحیح نباشد ولی روایت سوم اعتبارش بیشتر است.

مبنای کلینی این بوده است و اضافه بر این اگر در یک جا سه تا روایت ضعیف داشته باشیم مبنای شیعه این است سه تا روایت ضعیف همدیگر را تقویت می‌کنند مستفیض می‌شود.

فقیه می‌تواند با سه تا روایت ضعیف - نه روایت دروغ - روایت کذب هزار مورد آن هم بی ارزش است، یعنی هزار تا روایت دروغ را جمع بزنید حاصل جمعش صفر می‌شود. روایت ضعیف که ما می‌گوییم مثلا راوی مجهول است شناخته شده نیست، در مورد راوی ذمی نیامده و مدحی هم در موردش نیامده است، راوی در کتب رجالی اسمش نیامده است. راوی ضعیف اقسام مختلفی دارد خود آقای خویی رضوان الله تعالی علیه که در مبانی فقهی خیلی از روایاتی را که صاحب جواهر، صاحب

حدائق، صاحب ریاض و خود امام راحل رضوان الله عليهم عمل کردند آقای خویی این روایات را رد می‌کند.

شما ببینید نزدیک به هفتصد - هشتصد تا روایت از سهل ابن زیاد است، ایشان به هیچ روایت سهل ابن زیاد عمل نمی‌کند، ولی با همه این‌ها شما در کتاب فقهی آقای خویی ببینید یک جا می‌آید سه تا چهار تا روایت که ضعیف است دیگر آن را بررسی سندی نمی‌کند.

می‌گوید:

«کثرة الروایات تغنینا عن البحث فی السند»

روایت زیاد ما را بی‌نیاز می‌کند که از سند روایات بخواهیم بحث رجالی بکنیم؛ لذا این که اقایان می‌گویند کافی ۷-۸ یا ۹ هزار تا روایت ضعیف دارد، روایت ضعیف معنایش این نیست که این روایت جعلی و دروغ است و ما باید ببندازیم و کنار بگذاریم! این را عزیزان توجه داشته باشند.

من در کتاب المدخل إلى علم الرجال والدرایة در قسمت معرفی کتب اربعه این بحث را مفصل آورده‌ام دوستان می‌توانند مراجعه کنند.

**پرسش:**

اشکال شما به آقای غامدی در مورد کتاب مسلم چه بوده است؟

**پاسخ:**

صحیح مسلم اشکالات فراوان دارد، همین روایت‌های جعلی که درست کردند توهین به انبیاء،

توهین به نبی مکرم، توهین به امهات المؤمنین، إلى ما شاء الله است!

در همان جلد اول قصة الحوار الهاء اگر ملاحظه بفرمایید ما عمده اشکالات را بر صحیح بخاری و صحیح مسلم آوردیم. آقای غامدی هم هیچ جواب قانع کننده به ما نداده است. فقط توجیه کرده است. یک فایل مستقل هم ما داریم به اسم اهانت به پیامبران در صحیحین، که در خود صحیحین چه اهانت‌هایی به پیامبران کرده‌اند؟

- حضرت موسی و کور کردن چشم حضرت عزرائیل!

- حاضر شدن حضرت موسی لخت مادر زاد در برابر بنی اسرائیل!

- حضرت ابراهیم و دروغ گفتن و فرستادن همسرش نزد جبار!

- پیامبر اکرم و آیات شیطانی!

- پیامبر اکرم و قصد خود کشی!

- پیامبر اکرم ایستاده بول کردن و...

امثال این مطالب نادرست نسبت به انبیاء و نسبت به نبی مکرم و نسبت به همسران پیغمبر فراوان دارند.

شما ببینید حتی این روایت را صحیح مسلم می‌آورد که جوان‌ها می‌آمدند خانه عایشه می‌خوابیدند و صبح محتلم شده از آن جا می‌رفتند! این تعبیر واقعا مایه ننگ است!

این توهین به خود رسول اکرم صلی الله علیه واله وسلم است قبل از آن که توهین به عایشه باشد، چطور شد از میان این همه همسران پیامبر نستجیر بالله خانه عایشه برای‌شان هتل پنج ستاره بوده است!!

صحيح مسلم يك مورد آورده بعد راويانش را هم مفصل آورده‌اند ما وقتی كه اشكال و سوال مي‌كنيم جوابي هم ندارند، آن وقت در شبكه كلمه مي‌گويند خانه عايشه يك متر عرضش بوده دو متر هم طولش بوده است! در اين يك متر عرض و دو متر طول مهمان‌ها كجا مي‌خوابيدند؟!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته